



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

**انترناسیونال**

**هفتگی**

بنیانگذار: منصور حکمت

**حزب کمونیست کارگری ایران**

**سردبیر: فاتح بهرامی**

haftegi@yahoo.com  
Fax: 0044-870 120 7768

**۱۷۱**

۱۰ مرداد ۱۳۸۲  
۱ اوت ۲۰۰۳

**جمعه ها منتشر میشود**  
**www.haftegi.com**

**دفتر مرکزی حزب**

Tel: 0044-795-051-7465  
Fax: 0044-870-135-1338  
markazi@ukonline.co.uk

## سیاست حزب کمونیست کارگری در تظاهراتهای خارج کشور

کوروش مدرسی

صفحه ۲



## تظاهرات های توده ای در خارج کشور و سیاست حزب کمونیست کارگری

بخش دوم

مصاحبه با اصغر کریمی asqar-karimi@ukonline.co.uk

اعتماد مردم را جلب کند و ثقل بیشتری در رهبری مردم بدست بیاورد. پروسه منزوی کردن و حاشیه ای کردن احزاب دیگر هم بخشی از پروسه کسب رهبری اعتراضات مردم برای سرنگونی است. حزبی که شایستگی

صفحه ۳

حزبی که بهتر این نیاز را درک کند، همه جا حضور داشته باشد، به سازماندهی مردم کمک کند، دسترسی بیشتری به مردم داشته باشد و بیشتر بسیج کند، رهبران شناخته شده داشته باشد و در عمل صلاحیت، هوشیاری، ظرفیت و آمادگی بیشتری در این زمینه از خود نشان دهد، میتواند

صحنه سیاسی و در رهبری جنبش اعتراضی راه بجائی نمبیرد. نفوذ حزبی در میان مردم توده ای میشود که در جریان عمل نشان دهد که رهبر بهتری برای "نه" مردم به جمهوری اسلامی است. این کلید مساله است. سرنگونی جمهوری اسلامی مشغله اصلی مردم است و

**هفتگی:** جریان ناسیونالیست راست یکی از جریاناتی است که تلاش میکند رنگ و سیاست خود را به مبارزه مردم در خارج قالب کند، اساسا با هوا کردن پرچم سه رنگ و دادن آن بدست مردم و سرود "ای ایران" و شعار رفرائنوم. حزب برای جلوگیری از مسموم شدن ذهن توده مردم و فضای رادیکال و اعتراضی تظاهراتهای آنها چه سیاستی دارد؟ به مردم چه فراخوانی دارد؟

**اصغر کریمی:** تاثیر گذاشتن بر توده مردم و رادیکال کردن فضای اعتراضی قبل از هرچیز در گرو حضور فعال حزب است. صرف مرزبندی کردن و کار ترویجی کردن در میان مردم و اعلامیه های توضیحی پخش کردن بدون حضور فعال در

## تولد انقلاب و دیپرسیون سیاسی سلطنت طلبان!

صفحه ۴

## اخوت اسلامی، حکایت برادری برده با صاحبش

مدرنیسم با اروپائیان در کوههای سویس به اسکی میپرداخت و بقیه سال در خاک "وطن" از فرط عقب ماندگی در خواب دست بدامن حضرت عباس میشد) به کت مان نمیرفت. با همان استدلالات کودکی میپرسیدیم چرا خداوند اکثریت مردم را با اعطای ثروت نمیآزماید؟ چرا تمام آزمایشات خداوند علیه ما فقرا و بنفع اغنیا صورت میگیرد؟ البته

دنيا مزرعه آخرت است و هنگام مرگ فقط با یک کفن و نامه اعمالمان میرویم. این اراجیف برای سرکوب تمایلات برابری طلبانه اکثریت قریب به اتفاق مردم بکار گرفته میشوند و بدین طریق سعی در گذاردن کلاه شرعی بر سر خیل استعمار شده و محروم از دسترنج خود دارد. این توجیحات ارتجاعی و ضد کارگری حتی در دوران نوجوانی در خانه پدری، و البته زیر سایه "شاهنشاه آریامهر" (شاهی که زمستانها از فرط

akosha2000@yahoo.com

اسعد کوشا

اعم از غنی (سرمایه دار) و تهیدست (کارگر) برادر دینی خطاب کرده و نزد خداوند برابر میشمارند و اخوت اسلامی را تلقین میکنند. بدینسان نه تنها اکثریت جامعه، کارگران ("فقرا")، را به سازش با و تمکین به اقلیت سرمایه داران استثمارگر (اغنیا) وادار میکنند، بلکه مذبحخانه سعی میکنند این فاصله عظیم طبقاتی و سطح معیشتی را با توجیحات مذهبی پرکنند. توجیحات مذهبی ای از این قبیل که خداوند عده ای را از طریق اعطای ثروت و بقیه بندگانش را از راه فقر میآزماید، یا اینکه

بطور یقین با عملکردهای بغایت ضد کارگری جمهوری اسلامی در این بیست و پنج سال، تعداد کارگرانی که کماکان خود را مسلمان بدانند بشدت رو به کاهش است. لیکن تا وقتیکه دستگاه قاچاق افیون مذهب به یمن امکانات دولتی در جامعه بیکه تازی میکند، کارگران هم انگ مسلمانانی میخورند و موظف به انجام تکالیف شرعیه برای مصون ماندن از آتش دوزخ در آن دنیا، و خوردن شلاق کمیته دارالاسلام در صورت عدول میباشند. در تبلیغات مذهبی، آخوندها و عناصر مکلای رژیم همه را

**اطلاعیه پایانی نشست**

دفتر سیاسی حزب صفحه ۲

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## سیاست حزب کمونیست کارگری در تظاهراتهای خارج کشور

کوروش مدرسی

با تغییر اوضاع سیاسی در ایران و تبدیل جنبش سرنگونی به بستر اصلی اعتراض در خارج کشور نیز ایرانیان آزادیخواه در ابعاد بسیار وسیع با خواست سرنگونی جمهوری اسلامی دست به اعتراض میزنند. حزب کمونیست کارگری ایران باید در خارج کشور تضمین کند که اعتراض مردم برای آزادی و رهائی و برای سرنگونی جمهوری اسلامی انجام میشود. حزب پرچم اتحاد مردم برای این هدف شود و مانع از آن گردد که اپوزیسیون راست به این اعتراض رنگ قوم پرستانه و ناسیونالیستی بزند و یا با شعارهایی نظیر رفاندم آترا به ابزاری برای ساخت و پاخت از بالا تبدیل کند. شکست

۱- حزب کمونیست کارگری خود راسا تلاش میکند تا وسیعترین تظاهراتها مردم علیه جمهوری اسلامی را حول مرگ بر جمهوری اسلامی و "آزادی و برابری" سازمان دهد. تظاهراتهای اعلام شده توسط حزب کمونیست کارگری تظاهرات فراگیر و متحد کننده حول خواست سرنگونی جمهوری اسلامی و تامین آزادی و برابری خواهند بود. حزب با همه شعارها و باندرولها و پلاکاردهای خود به این تظاهراتها میروید و مانع از آن نخواهد شد که جریانها دیگر با باندرولهای خود در تظاهراتهای حزب شرکت کنند مشروط بر آنکه هدف تظاهرات، شعارهای اصلی آن و قطعنامه آن مخدوش نگردد.

۲- حزب کمونیست کارگری در تلاش کمیتهها و تشکلهائی که برای سازمان دادن تظاهراتها و به میدان کشیدن مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی بوجود می آید فعالانه شرکت میکند مشروط بر اینکه این تظاهراتها پلاتفرمی برای دامن زدن به قوهپرستی و یا تبلیغ رفاندم در

مقابل تلاش مستقیم مردم برای سرنگونی نباشد. حزب کمونیست کارگری حاضر به پذیرش محدودیت در پلاکاردها، شعارها و باندرولهای خود نخواهد بود.

۳- حزب کمونیست کارگری در تظاهرات احزاب سیاسی دیگر، بویژه اپوزیسیون راست، و تشکلهای پایدار که بمشابه حزب سیاسی راست عمل میکنند شرکت نمیکند. در همان حال سازماندهندگان و آژیتاتورهای محلی ما از هر تجمع مردم برای تبلیغ نظرات حزب و جلب تعداد هرچه وسیعتری از شرکت کنندگان به حزب استفاده میکنند. تشکیلاتهای محلی حزب باید در این رابطه سیاست بشدت فعالی را در پیش بگیرند. ما وارد اتحاد عملها و یا ائتلافهای سیاسی نمیشویم.

۴- سیاست ما در همه تظاهراتها و میتینگها این است که تعداد هرچه بیشتری پرچمهای و شعارهای حزب وجود داشته باشد. ما مانع آوردن پرچم سه رنگ نمیشویم اما بشیوه سیاسی بطور فعال علیه آن کار میکنیم. و تلاش میکنیم تا مردم

هرچه بیشتر پرچمهای غیر قومی و انسانی حزب را بردارند. یک شاخص پیشرفت برای ما تغییر رنگ این تظاهراتها از مخلوط پرچم ما و پرچم سه رنگ به سیطره پرچم ماست. این کار باید با تامین فیزیکی ماتریال برای مردم در اشکال گوناگون، پرچم، پلاکارد، باند پیشانی، نقاشی روی صورت و غیره از یک طرف و جذب مردم به سیاست و رهبری حزب انجام شود.

۵- سیاست ما در همه اعتراضات بعلاوه برقراری ارتباط منظم با مردم، کشیدن آنها به خانههای حزب، عضوگیری و جمع آوری کمک مالی است. تشکیلاتهای ما باید برای این اهداف سازماندهی کنند. یک شاخص مهم در موفقیت ما تعداد ارتباطات جدید، تعداد اعضای جدید و مقدار کمک مالی جمع آوری شده است.

۶- تشکیلات خارج کشور باید برای پاسخ گویی به نیازهای این دوره بخصوص سرعت سازمان و سبک کار خود را تغییر دهد.

## اطلاعیه پایانی نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

از صفحه ۱

### اخوت اسلامی ...

جواب روشن بود: کفر نگو بچه، همین یک لقمه روزی هم از سفره مان میروید. پدر راست میگفت، آنقدر کفر گفتیم که خداوند به خشم آمد و نمایندگانش را برای حفظ سلطه سرمایه داران بر جان و روان کارگران به روی زمین فرستاد و عسگر اولادی مسلمان و جانیان فدائی اسلام متولی امر سرمایه شدند. انقلاب ۵۷ علیه حکومت شاه و علیه ظلم و ستم و نابرابری و استبداد بود و برای تحقق آزادی و برابری و رفاه، که جمهوری اسلامی آترا به خون کشید. آری جمهوری اسلامی و حکومت حاج آقاها در امتداد حکومت سلطان ظل الله آمد، و همان یک لقمه نان خالی هم از سفره کارگران رخت بریست و به رحمت ایزدی پیوست و کارگران بیشتر تهیدست شدند.

جمهوری اسلامی، "حکومت اخوان المسلمین"، نه تنها بخش شخصیت عظیم ارج گذاشته شود. **قرار در قدرانی از آذر ماجدی** دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران، از ابتکار و کوشش

آذر ماجدی بخاطر نقشش در ساختن و نصب پیکره منصور حکمت در هایگیت لندن به رای گذاشته شد و هر دو قرار باتفاق آرا به تصویب رسیدند. در پایان مجدداً حمید تقوایی بعنوان رئیس دفتر سیاسی باتفاق آرا انتخاب گردید.

### دفتر سیاسی

**حزب کمونیست کارگری ایران** ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۳، ۸ مرداد ۱۳۸۲ **متن قرارها**

**قرار در مورد هفته منصور حکمت** دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران بمنظور بزرگداشت منصور حکمت هفته ۱۱ تا ۱۷ خرداد (۱ تا ۷ ژوئن)، هفته ای که ۱۴ خرداد روز تولد منصور حکمت در آن قرار میگردد، را بعنوان هفته منصور حکمت اعلام میکند. حزب کمونیست کارگری ایران تلاش خواهد کرد که در این هفته در ایران و خارج کشور دستاوردهای عظیم زندگی منصور حکمت در مجموعه ای از مراسمها و اقدامات مختلف معرفی شوند و این

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در تاریخ ۱۹ و ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۳ (۲۸ و ۲۹ تیر ۱۳۸۲) با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی و کوروش مدرسی لیبر حزب برگزار شد. جلسه با گزارش کوروش مدرسی در مورد عملکرد هیات دبیران در فاصله بین دو نشست کار خود را آغاز کرد. دفتر سیاسی در بحث پیرامون گزارش که عمدتاً به فعالیتها و سیاستهای حزب در قبال خیزش توده ای اخیر در ایران و خارج کشور اختصاص داشت و همچنین در بحث در مورد وضعیت سیاسی ایران پس از خیزش اخیر و تظاهراتهای گسترده ۱۸ تیر در خارج کشور، که از دیگر مفاد در دستور بود، به تفصیل وضعیت جدید سیاسی در ایران و عملکرد و موقعیت برجسته حزب در این شرایط را بررسی کرد و پیشرویها و دستاوردهای حزب در این دوره فعالیت را مورد تاکید قرار داد. در این جلسه همچنین یک قرار درباره برگزاری هفته بزرگداشت منصور حکمت در سالگرد تولد او و قرار دیگری در قدرانی از

کمونیستی کارگری خود ندارند. کارگران باید به میدان بیایند، بخصوص کارگران نفت باید بیایند و جامعه را از سلطه شوم حکومت اسلامی رها سازند و به این بیعدالتی، بردگی مادی و معنوی و توهین و تحقیر تاریخی پایان دهند. یکبار برای همیشه باید به سرمایه داران و آخوندهای مفتخور بگوئیم که تمدن اسلامیشان ارزانی خود و خدایشان، ما حقمان را در همین دنیا و همین امروز میخواهیم. کارگران هیچ پیوند و اخوتی با استشارگران مسلمان و غیر مسلمان ندارند و برخلاف خدای محمد، جامعه ای را میخواهند که همه غنی و توانمند باشند و از فقر اثری نباشد.

همبستگی طبقاتی ما کارگران و مبارزه با نکتیت سرمایه داری حول پرچم آزادی و برابری و حکومت کارگری تنها تضمین سربلندی ما در برابر فرزندانمان و نسلهای بعنی در برقراری جامعه ای انسانی و مرفه است.

۲۹ ژوئیه ۲۰۰۳

**به حزب کمونیست کارگری پیوندید!**

های پیگیر رفیق آذر ماجدی در پیشبرد پروژه مهم ساختن و نصب مجسمه منصور حکمت در گورستان های گیت و در کنار مجسمه مارکس تقدیر میکنند.

از صفحه ۱

## تظاهرات های توده ای

بیشتری در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی در میان توده های مردم از خود نشان دهد، آن حزب در موقعیت مساعدتری برای به حاشیه راندن احزاب دیگر خواهد بود. این اساس سیاست حزب در برخورد به سایر جریانهای سیاسی است. برای انزوی شعارهای راست، پرچم سه رنگ و رفراوند و غیره باید در اعتراضات توده ای و در رهبری آنها هرچه بیشتر نقش ایفا کرد.

هوا کردن پرچم ایران و سرود ای ایران قبل از هرچیز بیان یک نقطه ضعف اساسی جریان راست است. اینها مطالبه آزادیخواهانه ای برای مردم ندارند، پرچم و سرود مهمترین ابزار آنها برای بسیج است. اینها نه آزادی میخواهند نه رفاه. نه طرفدار سفت و سخت سکولاریسم و جدائی دین از دولت و آموزش و پرورش اند، نه حق اعتصاب میخواهند و نه برابری بی قید و شرط زن و مرد. پاسخی برای مردم تشنه آزادی ندارند. یک رفراوند داشتند که رنگ باخت. مردم برای رفراوند مشت هوا نمیکند. مشت گره میکنند تا عزم خود را برای سرنگونی حکومت به دست خود نشان دهند. احزاب راست، احزاب قیام و انقلاب نیستند برای منزوی نشدن به ارباب انقلاب میچسبند و تا آخر هم اینکار را میکنند، اما اگر قرار است تکلیف جامعه در خیابان و نه از بالا و در اطاق ها و کریدورهای در بسته و یا کودتا و دخالت نظامی آمریکا تعیین شود، آنوقت نقش آنها هرچه بیشتر حاشیه ای میشود و دست را به ما میبازند. خودشان هم به این مساله وقوف کامل دارند. هیچجده تیر یک نمونه زنده آن بود. حتی آنجا که این جریانات دست بالاتری داشتند هیچ کدام از شعارهایشان دست بالا پیدا نکرد و حتی در حاشیه هم جای زیادی نیافت.

مردم تشنه آزادی، مردم متنفر از آپارتاید جنسی و تحقیر زن، مردم تشنه رفاه و برابری از آمادگی کافی برای بلند کردن پرچم های آزادی و برابری برخوردارند بشرطی که در دستشان قرار داده شود. با اینهمه اگر حزب نبود بطور خودبخودی شعار آزادی و برابری جای پرچم و رفراوند را نمیگرفت. آنچه در ۱۸ تیر اتفاق افتاد نیز عین همین را نشان داد. فعالین حزب شعارها و پلاکاردهای

آزادیخواهانه را در دسترس مردم قرار دادند، مردم با چشم باز انتخاب کردند. آزادی و برابری در همه جا ظنین انداخت. هزاران نفر پرچم های آزادی برابری را در دست گرفتند و شعار دادند و سخنرانهای حزب را تشویق کردند. حزب کمونیست کارگری یک حزب شناخته شده است. چهره های سرشناس و خوشنام و محبوبی دارد. توده های مردم برای حزبی که از بلو روی کار آمدن حکومت اسلامی در مقابل آن قد علم کرده است و بر سرنگونی آن پافشاری کرده است، برای حزبی که حتی یک روز در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از حقوق مردم و ارزشهای پیشرو و انسانی کوتاهی نکرده است احترام قائلند. و جز این هم نمیتوانست باشد. جامعه ایران در داخل و خارج سیاسی است، اکثریت قریب به اتفاق مردم نسبت به رژیم موضع دارند و از جریانات سرنگونی طلب استقبال میکنند. هرکس که غرضی نداشته باشد و نخواهد چشم خود را بر حقیقت ببندد میتواند به هیچجده تیر نگاه کند و رابطه عمیق میان حزب و کادرهای حزب را با مردم آزادیخواه در شهرهای مختلف اروپا و آمریکا ببیند. این رابطه با تعمیق مبارزه علیه جمهوری اسلامی عمق بیشتری می یابد. این حزب برای سرنگونی لازم است، برای هدایت مبارزه مردم لازم است، برای آینده لازم است. و مردم اینرا میدانند و آترا ارج مینهند.

**هفتگی:** حضور حزب در تظاهراتی که در آن جریانات راست و سلطنت طلب با پرچم سه رنگ هم شرکت دارند، ممکن است نزد کسانی بعنوان "همکاری" و "فعالیت مشترک" حزب با سلطنت طلبان تلقی شود. پاسخ شما به این موضوع چیست؟

**اصغر کریمی:** برای مردمی که شعارها، سخنرانی ها و پلاکاردهای ما و دیگران را میبینند شبهه ای ایجاد نمیشود. "افشاکری" مخالفان قسم خورده حزب هم چندان اهمیتی ندارد. حزب کمونیست کارگری با کوهی از ادبیات و مواضع روشن و فعالیت های مستمر و گسترده در عرصه های مختلف بعنوان یک جریان بسیار متعین و متفاوت شناخته شده است. کسی ما را با هیچ جریان دیگری حتی با هیچ گروه چپ دیگری اشتباه نمیگیرد. کافی است که یکجا ببینند کسی دارد علیه اسلام

سیاسی حرف میزند یا علیه بیحقوقی زن آژیتاسیون میکند یا برای کارگر نفت و بهشهر کمپین میکند یا دو خردادیها را افشا میکند تا پی ببرند کمونیست کارگری است. خیلی از مفاهیم و انتقادات رادیکال و گذشته با کمونیستهای کارگری تداعی میشود. ما ۲۵ سال است برای چنین شرایطی مبارزه میکنیم، جنگ مان را کرده ایم، تفاوتمان را با همه گفته ایم و امروز این به یک نقطه قوت عظیم ما، به اعتماد بنفوس عمیق کادرهای ما، به انسجام ما، به سهولت کار ما در اتخاذ تاکتیک های سیاسی و به تسهیل کار مبلغین و آژیتاتورهایی ما تبدیل شده است. تظاهراتی توده ای برای ما یک میدان جدید مبارزه است. ناسیونالیسم دست راستی و بقایای جریانات ملی اسلامی سعی میکنند پرچم سه رنگ بدست مردم بدهند، سیاست ما و تاکتیک ما فرار از این میدان نیست. برعکس حضور قدرتمند در آن است تا پرچم سه رنگ را از دست مردم بگیریم و پرچم آزادی و برابری و شعارها و مطالبات آزادیخواهانه را به آنها بدهیم. ما قدرتمند در این میدان حاضر میشویم تا بجای رفراوند و سرود ای ایران، شعار سرنگونی و دفاع از سکولاریسم و رفاه و برابری بگذاریم. سخنرانان ما حضور پیدا میکنند تا بجای خزعبلات و حرفهای بیمایه، حرف دل مردم را بزنند، شور و احساس مردم را به غلیان درآورند و به آنها افق دهند. شاید کسانی "اعلام موضع" و "مرزبندی!" را برای فرار از این میدان توجیه کنند، اما اینها هیچوقت نقش مهم و موثری در هیچ مبارزه ای نداشته اند. حزب کمونیست کارگری یک برنده مهم ۱۸ تیر بود و موقعیت خود را در میان مردم قویا تحکیم کرد. و این سکوی پرشی به جلو خواهد بود. گام بعدی ما هرچه محدودتر کردن پرچم سه رنگ و سرود ای ایران و کل جریانات دست راستی است. این یک میدان مبارزه است و ما برای حضور در آن آمادگی کافی داریم.

کسی که واقعا خود را سوسیالیست میداند، با هر تصویری که از سوسیالیسم داشته باشد، و ریگی در کفش نداشته باشد، اکنون باید چند سر و گردن خود را بالاتر احساس کند. کسی که واقعا به رشد آرمانهای انسانی و آزادیخواهانه عشق میورزد، آینده را با حضور و وجود حزب کمونیست کارگری روشن تر میبیند. واقعیت این است که اکنون بسیاری از مخالفین حزب

دور کنند و شعارهای سرنگونی و آزادیخواهانه را بر آن حاکم کنند. همانطور که اشاره کردم تاکید ما بر اجتماعات اعتراضی علیه جمهوری اسلامی است. اجتماعی که فی المثل برای بزرگداشت مصدق یا انقلاب مشروطه بر پا شود جای ما نیست. اجتماعاتی که مستقیما به فراخوان احزاب دست راستی برپا میشود، که اکثرا هم هدف حزبی خاصی دارد، جای ما نیست. چنین اجتماعاتی را باید بایکوت کرد و مردم را هم از حضور در آن برحذر داشت.

اجازه دهید به مورد دیگری از ائتلاف و اتحاد عملی که در همین هیجده تیر صورت گرفت و البته بسیار حاشیه ای بود و جای ویژه ای هم در هیجده تیر نداشت اشاره کنم. گروههایی نشستند ائتلاف کردند اتحاد عمل کردند و سرانجام تصمیم گرفتند اسم خود را مخفی کنند شعارهای خود را مخفی کنند و با ترس و لرز و شرمگینانه، چهاربار هم شعار سرنگونی رژیم بدهند. کلا اجزایی وجود دارند که به دلیل سابقه طولانی حمایت از جمهوری اسلامی آبرویی برای حضور با اسم و رسم خود ندارند. برخی فعالین سیاسی هم هستند که عضو حزبی نیستند و حزب و تشکیلی ندارند. یا سازمان گریزند و یا اینطور راحت تر میتوانند نان را به نرخ روز بخورند. این دو دسته منفعت شان ایجاب میکند تا در تظاهرات اسم هیچ حزب و سازمانی مطرح نشود. به همین سادگی. و متاسفانه این شرایط را به برخی گروههای چپ هم تحمیل کردند. شاید هم دمکراسی و رای گیریها و توافقات در میان اینها ایجاب میکند که اسم گروههای سیاسی خود را مخفی کنند و از آوردن پلاکاردها اجتناب کنند. درست در شرایطی که مردم زیر سرنیزه در داخل کشور بتدریج میروند که با هویت سیاسی و سازمانی به میدان بیایند اینها در قلب اروپای دمکراتیک و با لطایف الحیل دوستان خود را مجاب میکنند که پلاکاردهای حزبی شان را در خانه قایم کنند. این مسخره بازیها و اپورتونیسم پشت آترا باید افشا کرد.

حضور فعالین حزب در هیجده تیر به اجتماعات اعتراضی شور و امید و افق داد و خشم و نفرت و آمال و آرزوهای قلبی مردم را نمایندگی کرد و جایگاه حزب را در میان مردم بمراتب محکمتر و ریشه دار تر نمود. جا دارد از تلاش، ابتکار، شب نخوابی ها و کوشش های بیدریغ کمیته ها و فعالین حزب عمیقاً قدردانی شود.

## تولد انقلاب و دیپرسیون سیاسی سلطنت طلبان!

علی جوادی



یکی از پیامدهای دور جدید اعتراضات توده‌های مردم مبتلا شدن نیروهای دست راستی و محافظه کار و مشخصا سلطنت طلبان به یک دیپرسیون سیاسی است. برای پی بردن به علل این باید نگاهی به مختصات پرچم جنبش ناسیونالیسم بورژوازی "پرو غربی" در شرایط سیاسی حاضر و ویژگی‌های اعتراضات اخیر انداخت. جنبش ناسیونالیسم محافظه کار "پرو غربی" یا پرچم "مبارزه مدنی"، "فرانوم"، "امروز فقط اتحاد"، و "تغییر رژیم" آمریکا مشخص می‌شود. این جنبش به لحاظ اقتصادی تماما مدافع بازار آزاد و الگوهای اقتصادی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و سیاست ریاضت اقتصادی است. به لحاظ سیاسی تماما ضد کمونیست و ضد کارگر و ضد انقلاب است. خواهان همزونی اقتصادی و سیاسی و نظامی آمریکا بر ایران است. این جنبش ارتجاعی با شروع جنگ آمریکا علیه عراق تحرکی جدی از خود نشان داد. نشان داد که برای تغییر رژیم اسلامی چشم امیدش به کودتا و بند و بست و سیاست "تغییر رژیم" آمریکا است. به امید تکرار این سناریو و یا سناریوهای مشابه، چه "مدل عراق" و چه "مدل یوگسلاوی"، ناشیانه اعتماد به نفسی زودرس را به نمایش گذاشت. برخی شتابان به واکنش رفتند تا امضای خود را بر روی موشکهای کروز و تاماهاک و بمب افکنهای ب ۵۲ قرار دهند تا شاید تکه استخوانی از فردای قدرت ایران نصیبشان شود. اما اعتراضات مردم در فاصله ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر آب سردی بر این تصورات و اهداف ریخت. چگونه؟

مساله اساسی هر انقلابی قدرت سیاسی حاکم است. اعتراضاتی که از ۲۰ خرداد آغاز شد و تا ۱۸ تیر ادامه پیدا کرد، شهرهای بسیاری را در بر گرفت و صدها هزار نفر را به خیابانها کشید. بدون واسطه و مستقیما اساسی‌ترین خواست مردم یعنی سرنگونی قدرت سیاسی حاکم را در مرکز ثقل تحرک خود قرار داد. این اعتراضات سرآغاز فصل جدیدی در جنبش توده‌های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی شد، سرآغاز انقلابی دیگر در تاریخ تحولات سیاسی ایران. تلاطمات و کشمکشهای سیاسی جامعه پدید آمد. جدیدی را وارد معادلات سیاسی ایران کرد. انقلاب! انقلابی برای خلاصی از شر رژیم تا مغز استخوان مرتجع، ضد زن، ضد زندگی، تماما استبدادی و استثمارگر. حرکت مردم نشان داد که جامعه پاسخ خود را به یکی از گرهی ترین مسائل پیشروی خود دارد. مکانیسم سرنگونی رژیم اسلامی پاسخ خود را گرفت. مردم انتخاب خود را کردند. مردم اعلام کردند که انقلاب شیوه از سر راه برداشتن حکومت اسلامی است. تولد انقلاب اگر چه پر و پیچ و خم بود و اگر چه پس از چهار سال از ۱۸ تیر ۷۸ پا به عرصه حیات گذاشت. اما آغازش در تحولات کنونی ایران سرنوشت ساز و حساس و تاثیرش بر تحولات آتی جامعه تاریخساز است. انقلاب در اولین جلوه‌های بروز خود اپوزیسیون راست را در یک دیپرسیون سیاسی فرو برد زیرا شیوه آنها را برای "تغییر رژیم" بکلی زیر سوال برد، و مولفه‌های اصلی تعیین کننده پروژه راست برای تغییر و تحولات آتی و قدرت گیری در جامعه را بی اعتبار کرد. از اینرو بر شکافها و تضادهای این صف افزود. بی دلیل نیست که رضا پهلوی در صفوف خودش مورد نقد و بی اعتباری بیشتر قرار گرفته است.

اپوزیسیون راست و سلطنت طلب بمنظور مقابله و رو در رویی با انقلابی کارگری که مدعی رهبری و هدایت اعتراضات مردم است با پرچم مبارزه "غیر خشونت آمیز" نافرمانی مدنی" به میدان آمده بود. در این چهارچوب، نافرمانی مدنی حد مجاز قالب و محدوده مبارزات مردم را تعیین میکرد. از پیش روشن بود که برای مقابله با نیرویی علم شده است که به جنگ بنیادهای مشقت و مصائب مردم رفته است. هدف این مقابله این است که ریشه فلاکت مردم یعنی مناسبات سرمایه‌داری و کار مزدی را از گزند تحولات مصون

نگهدارد. از اینرو باید مصائب مردم را به پای انقلاب در جامعه می‌نوشتند. حکومت سیاه اسلامی را محصول انقلاب معرفی میکردند. انقلاب مترادف خشونت و دیکتاتوری و خونریزی قلمداد میشد، و هر تحول انقلابی زمینه ساز یک نظام سیاسی دیکتاتوری دیگر. در این چهارچوب انقلاب هر چیز بود به غیر از آنچه که واقعا هست. در چهارچوب آنها انقلاب دیگر جشن توده‌های مردم نیست، اراده دسته جمعی انسانها برای تغییرات بنیادی نیست، و تلاشی بزرگ برای ایجاد یک سازمان نوینی اجتماعی نیست. کوشیدند با تبلیغات زمینه هرگونه شکل گیری تحولی انقلابی را کور کنند. و چه بسته بندی بهتر از "نافرمانی مدنی"؟ گاندی و مارتین لوتر کینگ و توکوئل و کلکسیونی از تئورسینهای بورژوازی به مدد گرفته شدند تا مردم متصل به تغییرات ریشه‌ای و پایامی نشوند، و تحولات در محدوده قابل تحمل راست شکل بگیرد و به پیش برده شود. از نظر اپوزیسیون راست، مردم باید تا زمانی در خیابانها باشند و تا زمانی اعتراض کنند که تغییر و تحولی در صفوف طبقه حاکمه صورت بگیرد و به سرانجام رسد، و باید مراقب بود که کوچکترین خدشهای به ارکان حاکمیت طبقاتی، ارتش و سپاه و بسیج، وارد نشود. اما تولد انقلاب این سناریو را کنار زد. مردم انقلابی قدرت خود را در خیابانها به نمایش گذاشتند. سرنگونی را فریاد زدند، و برای متحقق کردنش زمین را زیر پای رژیم اسلامی داغ کردند.

ماحصل "نافرمانی مدنی" قرار بود خود را در تسلیم رژیم اسلامی به "فرانوم" برای تعیین نوع حکومت آتی نشان دهد. در شعبده بازی اپوزیسیون راست مردم نافرمانی مدنی میکنند، و فریاد میزنند "فرانوم"، "فرانوم"، این است شعار مردم، متعاقبا رژیم تسلیم میشود و یک روز آفتابی برای تعیین نظام آتی تحت نظارت سازمان ملل برگزار میشود. مردم رای خودشان را ابراز میکنند،

رژیم کلید زندانها را تحویل آقایان میدهد، اسلحه هایش را زمین میگذارد، بساط لفت و لیس و چپاول و دزدی و سنگسار و اعدام و زندان و دستهای اوباش انصار برچیده میشود، تا بساط دیگری از استثمار و استبداد بر پا شود. بدون اینکه کارگر و زحمتکش امکان ابراز وجود پیدا کنند، معادلات و سازشهای سیاسی را بر هم زند، بدون اینکه مردم مزه آزادی همه جانبه را بچشند، بدون اینکه اسلحه از دست اوباش گرفته شود و در دست مردم برای حفاظت از آزادیشان قرار داده شود، بدون اینکه کارگر فرصت پیدا کند به ساحت "مقدس" سرمایه تعرض کند، و بدون اینکه حزب کارگران و حزب آزادیخواهی و حزب سوسیالیسم به جلوی صحنه رانده شود. چنین سناریوی مضحکی در اولین گام اجتماعی انقلاب رنگ باخت. اگر شکست دوم خرداد نشان داد که کلاه اصلاح پذیری هیولای رژیم اسلامی سر مردم نرفت، اعتراضات اخیر به همگان اثبات کرد که کلاه رفراوندوم اپوزیسیون راست هم سر مردم نمی‌رود.

اما دلایل سیاسی دیپرسیون راست تنها محدود به عروج انقلابی از دل جنبش مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی نیست. این تحولات نیروی سیاسی خود را به جلوی صحنه سیاست سوق میدهد. و برخلاف سالهای ۵۷ این تحولات در سطح نیروهای سیاسی توسط حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود. حزب کمونیست کارگری حزب این انقلاب برای رهایی مردم است. نیرویی است که سالهاست خود را برای این دوران آماده کرده است. سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر و رهبری مبارزات مردم فلسفه وجودی حزب کمونیست کارگری است. انقلاب پیروزی به حزب کمونیست کارگری پیبوندید!

دیپرسیون سیاسی راست و

### یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری  
را بخوانید

### مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!